

دوست گرامی  
جناب آقای حجوانی

با سلام و آرزوی موفقیت روزافزون برای همکار ارجمند، به پیوست نقد نوشته شده به وسیله آقای دکتر مرتضی قاسم‌پور بر کتاب «لبخند نیلوفر» تقدیم می‌شود تا اگر صلاح دانسته شد، در کتاب ماه به چاپ برسد. دکتر قاسم‌پور استاد فلسفه است و در دانشگاه کلن تدریس می‌کند. همان‌طور که آگاهی دارید، لبخند نیلوفر کتاب برگزیده سال گذشته مجله‌های پوپک و سلام بچه‌ها، انتشارات سوره، دانشگاه تهران و شورای کتاب کودک بود. به این دلیل، نوشته دکتر قاسم‌پور بیان حقیقتی است که قبلاً مورد توجه قرار گرفته است.

با احترام و سپاس فراوان  
فریده خلعت‌بری

شیوه تربیتی پویا را معنا کند، آن چیزی است که در کنار ابعاد تاملی دیگر، «لبخند نیلوفر» را به یک اثر استثنایی در عرصه ادبیات کودکان تبدیل می‌کند. در قالب یک شیوه روایی ساده، اما نه ساده‌انگار، مضامینی جای داده می‌شوند که عمق فلسفی آن‌ها «لبخند نیلوفر» را به یک منبع بالقوه تعبیر متفاوت بدل می‌کند که بنا بر سطوح استنباطی و نیروی تعبیری مخاطب، خود را در قشرهای مختلف معنایی آشکار و ادراک تمثیلی - تصویری کودکان را به همان اندازه ارضا می‌کند که شیوه استنباط مفهومی یک اندیشه تجربیدی را.

آن چه «لبخند نیلوفر» را تا سطح تاملی فلسفی ارتقا می‌دهد و آن را واجد شروط بررسی فلسفی می‌سازد، اقتباس ادبی از جهان‌نگری فلسفی ویژه‌ای است که به‌خصوص در فلسفه قرون معاصر، در انتقاد به تفکر جهان‌ستیزانه تکنیک‌گرا که بر تفکر انسان مدرن حاکم می‌شود، تبلور پیدا می‌کند.

از همان آغاز و در عنوان داستان که موضوع آن لبخند گم شده دختری به نام «نیلوفر» است، درک جهان‌نگرانه ویژه داستان نمودار می‌شود. آن چه گم شده است، یک پدیده مادی، یا یک شیء روزمره، یا یک ابزار کاربردی نیست، لبخندی است که در مفهوم پایه‌ای خود، شیوه خاصی از بودن را نمایان می‌کند؛ به طوری که گم شدن لبخند، دگرگون شدن شیوه بودن فرد را در جهان نشان می‌دهد که در ناگهانی اسرارآمیز و پیش‌بینی‌ناپذیر، تحقق می‌یابد.

بدون تعمق، به الگوهای تربیتی در ادبیات کودکان تبدیل نمی‌کند. بی‌دلیل نیست که در ادبیات برجسته کودکان، نظرگاه خردسالان، به محک واقعی برای قضاوت کیفیت اخلاق اجتماعی و قواعد حاکم بر جامعه تبدیل می‌شود و از این دیدگاه، شیوه‌های رایج زندگی بزرگسالان در اجتماع، مورد داوری قرار می‌گیرد.

ضرورت وجود چنین آگاهی‌هایی در زمینه‌های انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است که در کنار لزوم تسلط به شیوه‌های بیان مناسب، خلق ادبیات کودکان را به امری دشوار بدل می‌کند.

این سؤال پایه‌ای فلسفی، در ارتباط با امکان نگرش‌های متفاوت انسان به جهان و این که یک نگرش مفید به جهان باید از چه ویژگی‌های بنیادینی برخوردار باشد که بتواند به نوبه خود، یک

ادبیات واقعی کودکان، ادبیاتی بچه‌گانه نیست که با گذر از مرحله کودکی و رشد انسان، اهمیت خود را از دست بدهد. چنین ادبیاتی در شکل اصیل خود، از چنان غنای معنایی برخوردار است که می‌تواند لایه‌های تفسیری متفاوتی را بر حسب عمق و سنخیت دیدگاه‌های خواننده، آزاد سازد و در اختیار بگذارد.

این ادبیات، مینیاتوریزه کردن غیرانتقادی مضمون‌های خاص بزرگسالان نیز نیست که تنها در فرم‌های کودک‌پسندانه زبانی ریخته شده باشد؛ چرا که ادبیات بزرگسالان و موازین آن‌ها را معیار بدیعی فعالیت خود قرار نداده است، بلکه چنین موازینی را در چارچوب یک بررسی سنجش‌گرانه و تأملات انسان‌شناختی - تربیتی و با توجه به معیار مفید بودن آن‌ها به طور کلی، در نظرگاهی انتقادی مورد تأمل قرار داده است. به همین دلیل، آن‌ها را

## لبخند آن گونه نیلوفر

O دکتر مرتضی قاسم‌پور

یک اثر، دو دیدگاه



عنوان کتاب: لبخند نیلوفر  
نویسنده: اکرم قاسم‌پور  
تصویرگر: نسیم آزادی  
ناشر: شبابویز  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۰  
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه  
تعداد صفحات: ۲۰ صفحه  
بها: ۵۰۰ تومان

سبک روایی داستان که با شروعی بی مقدمه، از هرگونه روش تحلیلی و توضیح‌های علمی واقعه صرف نظر کرده است و تنها گم‌شدگی لبخند را در خصلت حادثه‌آسا بودن آن مورد تأکید قرار می‌دهد، بیانگر انتقادی سبک‌شناختی به تفکر افراطی علم‌گرای عصر جدید است که به امکان معمازدایی کامل هستی، از طریق روش‌های تجزیه تحلیلی باور دارد.

برخلاف این اندیشه یک جانبه‌گرا که در آن، جهان قداست زوده، به ماده‌ای خام برای شناخت کنجکاوانه و تهاجمی روش‌های علوم دقیقه بدل می‌شود، «لبخند نیلوفر» با انتخاب آگاهانه سبک روایی خود که عناصر ناگهانی، عدم وضوح و توضیح‌ناپذیری منطبق حوادث و دگرگونی‌های وجودی انسان را مورد تأکید قرار می‌دهد، بی‌کفایتی روش‌های تحلیلی عقل تکنیک‌گرا را برجسته کرده است و انتقادی هوشمندانه به راسیونالیسم مدرن، در اشکال مبالغه‌آمیز و مخرب آن وارد می‌کند.

این شیوه روایی که در داستان‌های دیگر اکرم قاسمیور برای بزرگسالان، از جمله در کتاب «رویا در خاک» نیز با مهارت به کار گرفته می‌شود، به شکل نمونه‌وار و کلاسیک، در آثار کافکا یافت می‌شود.

همان‌طور که گرگور زامزا در «مسخ» کافکا، روزی از خواب بیدار می‌شود و خود را در هیئت حشره‌ای زشت باز می‌یابد، بی‌آن که روند این دگرگونی وضوحی تشریحی پیدا کند، نیلوفر نیز پس از بیدار شدن، پی می‌برد که لبخند خود را گم کرده است. در هر دو مورد، با تحولی ناگهانی و معماوار در اعماق وجود انسان مواجه هستیم که ارتباط انسان را با جهان خود سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد و تنها در چارچوب استنباطی از جهان قابل درک است که در آن، هستی به عنوان نظمی رازناک و پیچیده احساس می‌شود و به قول شکسپیر، اسرارآمیزتر از آن است که یک عقل مدرسه‌ای بتواند تصور کند.

در هر دو مورد، سبک روایی، متناسب با این تلقی از جهان به عنوان پدیده‌ای حیرت‌انگیز، انتخاب می‌شود؛ به طوری که فرم بیانی، خود معرف جهان‌نگری ویژه گردیده و در نتیجه، تبدیل به محتوا شده است.

همان‌طور که در «مسخ»، تحول ظاهری گرگور زامزا، رفتار اعضای خانواده او را در قبال وی به شدت دستخوش تغییر می‌کند، جهان «نیلوفر» نیز پس از دگرگونی او، خود را در بعد دیگری به او عرضه می‌کند. این مشروط بودن چه‌گونگی واقعیت، به کیفیت شعور دریافت‌کننده انسان، بعد ایده‌آلیستی مهمی است که در «لبخند نیلوفر»، زیربنای نگرش فلسفی آن را تشکیل می‌دهد.



می‌سازد و با به رسمیت شناختن آن‌ها به عنوان هدف‌های درخود و تنزل‌ناپذیر، به آن‌ها ارجمندی و اعتباری هستی‌شناسانه می‌بخشد.

درست همین تلقی پدیده‌ها به مثابه هدف درخود است که به‌خصوص در فلسفه کلاسیک آلمانی، مبنای تعریف حرمت، انسان‌دوستی و اخلاقیات را تشکیل می‌دهد. کانت در فلسفه اخلاق خود، اخلاقیات را در نظاره انسان به عنوان هدف درخود و نه به عنوان ابزاری برای احراز هدفی دیگر، تعریف می‌کند.

شیلر، وضعیتی ایده‌آلی از ارتباط انسان با جهان ترسیم می‌کند که خصوصیت ممتاز آن، این است که در آن هر موجودی حتی اشیا نیز تنها به عنوان هدف‌های درخود کسب اعتبار کرده‌اند و

### «لبخند نیلوفر» با انتخاب آگاهانه سبک روایی خود که عناصر ناگهانی، عدم وضوح و توضیح‌ناپذیری منطبق حوادث و دگرگونی‌های وجودی انسان را مورد تأکید قرار می‌دهد، بی‌کفایتی روش‌های تحلیلی عقل تکنیک‌گرا را برجسته کرده است و انتقادی هوشمندانه به راسیونالیسم مدرن، در اشکال مبالغه‌آمیز و مخرب آن وارد می‌کند

هیچ چیز به مثابه ابزار نظاره نمی‌شود. فقط چنین ارتباطی است که به نظر کانت و شیلر، به علت رعایت ارزش وجودی پدیده‌ها و خودداری از اعمال سلطه بر آن‌ها، حایز عنصر مهم آزادی است. بی‌دلیل نیست که کانت، نظاره انسان را به عنوان وسیله‌ای برای دست‌یابی به مقاصدی برتر از آن، به عنوان نقض آزادی انسان و از میان بردن حرمت انسانی او در چارچوب یک نگرش ابزارگرایانه انتقاد می‌کند. مقوله آزادی، تنها در جهانی که او آن را «قلمرو هدف‌ها» می‌نامد، تحقق‌پذیر است و نه در حوزه ارتباط‌های سودجویانه و ابزارگرا.

«لبخند نیلوفر»، انتقادی ظریف به چنین دیدگاه سلطه‌گرایانه‌ای است که جهان و پدیده‌های آن را شخصیت‌زدایی و آن‌ها را به اشیای کاربردی و سلطه‌پذیر تبدیل می‌کند. خشونت در مفهوم فلسفی آن، چیز دیگری نیست غیر از چنین نگرشی به جهان که به ارتباطی هرم‌وار و سلطه‌طلبانه با آن می‌انجامد.

«لبخند نیلوفر»، نفی هوشمندانه این ارتباط خشونت‌بار و عاری از مهر میان انسان و جهان است که در اندیشه فلسفی معاصر، به عنوان شاخص آن تفکر تفکیک‌گرا، از آن انتقاد می‌شود که به قول مارتین هایدگر که علل نهفته فلسفی چنین تفکری را آشکار می‌کند، جهان را تنها به صورت یک «بم‌بزنین غول آسا» برای ارضای تمایلات سودجویانه انسان عصر جدید می‌بیند.

از طریق نفی ضمنی چنین جهان‌نگری

از دست رفتن لبخندی که شاخص شیوه خاص بودن در جهان است، از دست رفتن جهان در بعد شادمانه و شکوفایی آن است؛ یعنی در بعدی که با این شیوه بودن در جهان تناسب دارد.

واقعیت جهان، موجودیتی ثابت، ورای تعبیر آن از طریق شعور انسان نیست، بلکه ناشی از وضعیت‌های متفاوت ذهنیت انسان است که البته، تنها محدود به ابعاد عقلی ذهن نمی‌شود، بلکه تمامی درونیت انسان را دربر می‌گیرد.

این ایده‌آلیسم فلسفی در «لبخند نیلوفر»، در بعد عملی آن، به تفسیر خاصی از ارتباط انسان با جهان منجر می‌شود که ویژگی آن، نفی دوآلیسمی است که از زبان بیکن، گالیله و دکارت، جهان‌بینی عصر نو را پایه‌گذاری فلسفی می‌کند. این جهان‌نگری، انسان و جهان را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد، جهان را به عرصه سلطه تکنیکی انسان بر آن بدل می‌کند و از این طریق، زمینه از خود بیگانگی انسان در جهان را فراهم می‌آورد.

برخلاف این طرز تفکر، شیوه دریافت نیلوفر از جهان، حاصل ذهنیتی است که جهان و پدیده‌های آن را نه به صورت اشیای بی‌جان، بلکه به مثابه ارگانیسم‌های شعورمند و زنده درک می‌کند و آن‌ها را از حد «شیء»، به سطح «شخص» ارتقا می‌دهد.

این نگرش که پدیده‌ها را نه به عنوان شیء، بلکه به مثابه شخصیت نظاره می‌کند، آن‌ها را از اسارت در بند نظرگاهی ابزاری و عملگرایانه رها

مخری است که «لبخند نیلوفر»، ارتباط کیفی دیگری را میان انسان و جهان، در چشم‌انداز قرار می‌دهد؛ ارتباطی که در آن انسان و پدیده‌ها، شخصیت و حرمت از دست رفته خود را بازیافته‌اند و در پیوندی متقارن، آزاد و صلح‌آمیز با یکدیگر قرار داده شده‌اند. ارتباطی از این دست، بیان فلسفی آن چیزی است که در مفهوم گسترده آن، عشق نامیده می‌شود.

به این ترتیب، «لبخند نیلوفر»، تبلور شاعرانه نگرشی است که مبنای مناسبات خوشونت‌آمیز میان انسان و جهان را بررسی می‌کند و شروط لازم برای ارتباطی آزاد و مهرآمیز میان آن‌ها را موردمداقه فلسفی قرار می‌دهد.

در این متن تاملی است که حتی «دودکش»



### «لبخند نیلوفر»، دربردارنده یک نظریه مهم خوشبختی است که می‌توان آن را در تفاوت با نظریه‌های فردگرایانه و جامعه‌ستیز خوشبختی، نظریه‌ای جمع‌گرا و انسان‌دوستانه محسوب کرد که خوشبختی فرد را مشروط به کیفیت مناسبات اجتماعی او و تاثیر متقابل فرد و اجتماع بر یکدیگر می‌کند

نیز که نماد پرمردگی محض و فقدان حیات و شکستگی است، «لبخندی سبز» پیدا می‌کند و مرگ‌زدایی می‌شود؛ امری که فراتر از یک انتقاد اکولوژیکی به تفکر طبیعت‌ستیز تکنیکی و حاکی از نظری است که نگرشی دگرگونه به جهان را خواستار می‌شود که صفات محوری آن، آزادی و احترام به جهان طبیعی و اجتماعی انسان است. این نگرش مبنایی هستی‌شناختی که در آن، جهان در پرتو ذهنیتی دگرگونه شده، شیء بودن خود را از دست می‌دهد و به عنوان پدیده‌ای خودهدف، در ارتباطی ارگانیک و هماهنگ با انسان

انسانی که فرد در آن‌ها قرار دارد و به این تعبیر، در مسئولیت فرد برای خوشبخت کردن دیگران، به عنوان شرط لازمه سعادت خود، نظاره می‌کند. براساس این نظریه، خوشبختی فرد، نتیجه تاثیر سازنده‌ای است که فرد در محیط ارتباطی خود برجای می‌گذارد و از طریق آن، زندگی خود را نیز به طور مثبت سامان می‌دهد. همان‌گونه که لبخند گم شده «نیلوفر»، به مثابه خوشبختی از دست رفته او در تاثیر آن بر جهان پیرامون او مطرح می‌شود؛ به طوری که فقدان خوشبختی «نیلوفر»، بازتاب خود را در اندوه دیگران می‌یابد و بازیافتن آن نیز نتیجه تاثیر شادی‌بخشی است که «نیلوفر» در جهان پیرامون خود ایجاد می‌کند.

این تعبیر از خوشبختی، به عنوان نتیجه تاثیر متقابل میان فرد و اجتماع که در آن، ورای تمایلات انزواطلبانه و خودمحورانه، بر تعهد اجتماعی فرد در قبال دیگران تاکید می‌شود، بر گرایشی نوع‌دوستانه و جهان‌گرایانه استوار است که خود مبنای همبستگی و ارتباط متقارن انسان را با جهان طبیعی و اجتماعی او تشکیل می‌دهد.

آخرین جمله «لبخند نیلوفر» که در آن، «نیلوفر» به سبب گم کردن لبخند خود، انگیزه‌ای نیرومند برای درک ارزش آن پیدا می‌کند و می‌آموزد که لبخند او بی‌اهمیت‌تر از دیگر داشته‌های مادی او نیست، سیستم ارزش‌گذاری مرسوم را واژگونه می‌کند و انتقادی ارزش‌شناختی به عقلانیت محاسبه‌گر تکنیکی و مادی آن وارد می‌کند.

لبخند بازیافته «نیلوفر»، طلوع شعور نوینی است برای ارتباطی دگرگونه و مهرآمیز با جهان؛ ارتباطی که در آن به قول داستایوفسکی، هیچ ارزشی اشک‌های دخترکی کوچک را توجیه نمی‌کند.

قرار می‌گیرد، زیربنای درک «لبخند نیلوفر» از مقوله خوشبختی را نیز ارایه می‌دهد.

«لبخند نیلوفر»، دربردارنده یک نظریه مهم خوشبختی است که می‌توان آن را در تفاوت با نظریه‌های فردگرایانه و جامعه‌ستیز خوشبختی، نظریه‌ای جمع‌گرا و انسان‌دوستانه محسوب کرد که خوشبختی فرد را مشروط به کیفیت مناسبات اجتماعی او و تاثیر متقابل فرد و اجتماع بر یکدیگر می‌کند. این نظریه که اولین تبلور استدلالی آن را می‌توان در نزد افلاطون یافت، امکان خوشبختی انسان را در تعهد او برای بهبود مجموعه روابط

## لوح تقدیر

نویسنده گرامی سرکار خانم اکرم قاسم‌پور

هیأت‌داوران ششمین دوره انتخاب کتاب سال ماهنامه‌های سلام بچه‌ها و پوپک از کتاب «لبخند نیلوفر» به عنوان اثر برگزیده کودکان تقدیر به عمل می‌آورد. برایتان آرزوی توفیق و بهروزی داریم.

معاونت فرهنگی هنری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
بهمن ۸۱

سرکار خانم اکرم قاسم‌پور

موفقیت‌های شما در زمینه آفرینش آثار ادبی کودکان و نوجوانان موجب مسرت و مایه افتخار همکاران شما در مؤسسه آموزش عالی سوره می‌باشد. مؤسسه آموزش عالی سوره وظیفه خود می‌داند انتخاب شایسته اثر قلمی شما موسوم به «لبخند نیلوفر» را که توسط شورای کتاب کودک و نوجوان بعنوان اثر

برگزیده شناخته شده است به شما تبریک عرض نموده و موفقیت روزافزون جنابعالی در راه اعتلای فرهنگ مردم این مرز و بوم را از درگاه احدیت مسئلت نماید.

دکتر علیرضا انصاری

رئیس مؤسسه آموزش عالی سوره

اسفند ماه ۱۳۸۱

سرکار خانم اکرم قاسم‌پور

گروه بررسی از میان کتاب‌هایی که در سال ۱۳۸۰ برای کودکان و نوجوانان ایرانی انتشار یافته‌اند، لبخند نیلوفر را برگزیده شناخته است. هنر شما در کار تالیف این کتاب درخور ستایش فراوان است. موفقیت شما را تبریک می‌گوییم و برایتان در اینگونه خدمت‌های فرهنگی آرزوی توفیق روزافزون داریم.

هیئت مدیره شورای کتاب کودک

۸۱/۱۰/۲۹